

◻ **نیم نگاه**

چکیده مقاله گریس دیویس دین و مدرنیته



نقطه آغاز این مقاله در مآلات من درباره ماهیت دین در اروپای مدرن ریشه دارد. در این زمینه سئوالات ذیل برای من مطرح اند: اروپا چون مدرن است، سکولار است؛ یا اروپا سکولار است چون مدرن است، سکولار است در جهت خط سیری توسعه یافته است که تکرار آن در جاهای دیگر غیرممکن است؟ از نظر تحلیلی نیز می توان پیش منبای را مطرح کرد: آیا عرفی شدن ذاتی فرآیند نوسازی است؟ اگر این طور باشد آن گاه اروپا نمونه ای از یک جریان کلان تر است. ولی اگر عرفی شدن ذاتی فرآیند مدرنیته نباشد، عرفی شدن نسبی در اروپا ممکن است در جاهای دیگر تکرار نشود-تیین این وضعیت امور در این بخش از جهان بیشتر در خصوصیت های تاریخ اروپا ریشه دارد تا مستقیماً در فرآیند نوسازی. گام دوم بحث نیز در پی همین مطلب برداشت می شود. در صورتی که اروپا یک مورد استثنایی باشد، نظریه ها، ابزار، و مفاهیمی که برای تبیین چسبستی رشدادهای اروپا به وجودآمده اند، را دیگر نمی توان برای جاهای دیگر به کار برد. در واقع استفاده کورکورانه نظریه ها، ابزار، و مفاهیم، خطا خواهد بود- خطایی که به پیش فرض های غلط و محاسبات بدون دقت منجر خواهد شد. از این رو، اگر اروپا بیشتر به یک نمونه عالی نزدیک باشد، آنگاه ابزار جامعه شناسانه ای که در اروپا بسط یافته احتمالاً استفاده گسترده تری خواهد داشت و تعمیم های مبتنی بر اروپا منتقدی تر خواهند بود. به بیان عام تر، این مقاله در دو سطح عمل می کند. مقاله در حالی که توجه ویژه ای را اروپا دارد، ابتدا مائقه موجود درباره رابطه عرفی شدن و نوسازی را مورد بررسی قرار می دهد؛ سپس به الازامات مفهومی این بحث می پردازد. بخش دوم را در درجه اول باید درآمدی دانست بر پاسخ های برای این پرسش که از مناطق مختلف جهان به دست می آیند.

چکیده مقاله دکتر ژند شبکی دین و مدرنیته و روسیه

به این سؤال که آیا دین و مدرنیته با هم سازگار هستند یا نه، جوابی قطعی نمی توان داد. از یک نظر این سؤال نقضی اساسی و غیرقابل اصلاح دارد؛ زیرا بر این فرض استوار است که دین و مدرنیته معنی و شکل ثابت و معینی دارد. اما تاریخ نشان می دهد که همیشه برداشت های متفاوتی هم از دین و هم از مدرنیته وجود داشته است. عوامل مهمی در شکل گیری رابطه بین دین و مدرنیته و توسعه سیاسی موثر هستند، از جمله: جغرافیای سیاسی، ملت سازی، نگرانی از هویت زدایی و ساخت نهادهای کارآمد دولت. هر یک از این عوامل اثری متفاوت بر تصور افراد یک جامعه از دین و مدرنیته می گذارند. بررسی سؤال سازگار بودن دین و مدرنیته بدون توجه به این عوامل سبب می شود به نتایجی ناقص دست یابیم. این موضوع از نقطه نظر فلسفی به طور کامل و همه جانبه مورد بررسی قرار گرفته است. به همین دلیل در این جا به تحلیل آن از دیدگاهی تاریخی- سیاسی و با توجه ویژه به روسیه و شوروی می پردازیم. روسیه به دلایل فرهنگی و تاریخی تا حدود زیادی از اعضای دنیای غرب و یا حداقل دنیای غرب پرتوان/ کتابلیک نبوده است. از این رو تحلیل نوع برخورد و تعامل بین دین و مدرنیته در روسیه می تواند برای کشورهای دیگری که عضو دنیای غرب نیستند، مثل ایران دارای نکات جالب و آموزنده ای باشد. روسیه اولین کشوری بود که با مسئله سازگاری دین و مدرنیته و ترویج ادب و رسوم غربی و غرب گرایی به طور کلی روبه رو شد. بنابراین تحلیل تاریخ سیاسی روسیه و شوروی مروری بر تجربه ای چند صد ساله از تعامل بین دین و مدرنیته است. مجبوسیت در حال افزایش دین در میان مردم روسیه و نقش پررنگ تر این دو در هویت سازی و سیاست داخلی در کشوری که بیش از هفتاد سال توسط حکومتی ضد دینی اداره می شد تجربه روسیه را قابل توجه تر و آموزنده تر می سازد.

چکیده مقاله علیرضا علوی تبار دین و مدرنیته: سطوح مختلف یک نسبت

تحلیل «نسبت دین و مدرنیته» کاملاً وابسته است به اینکه چه «رویکردی» در تعریف مدرنیته و چه «الگویی» در شناخت دین انتخاب شوند. در یک طبقه بندی ساده شده رویکردهای موجود در فهم و تفسیر مدرنیته را می توان در دو گروه «رویکردهای نهادی» و «رویکردهای نگرشی شناختی» طبقه بندی کرد. در اینجا برای بررسی نسبت مدرنیته و دین پیشنهاد می شود که رویکرد نگرشی و شناختی انتخاب شود. الگوی دین شناسی منتخب نیز دین را حاوی سه جزء اساسی «فرهنگ دینی»، «باورهای دینی» و «اکنش دینی» فرض می کند. در این چارچوب مفهومی- نظری نسبت دین و مدرنیته در چهار سطح مورد بررسی قرار می گیرد: ۱- سطح بیان و تحقق زبانی تجربه دینی پیامبر. ۲- سطح استخراج نظام الهیاتی از داده های وحیانی. ۳- سطح فهم و تفهیم. ۴- سطح دفاع، مقایسه، ارزیابی و تعیین اعتبار.

چکیده مقاله حجت الاسلام سیدعلی طالقانی سازگاری اسلام و مدرنیته

پرسی که از من خواسته شده است و تلاش خواهم کرد در این مجال بدان پاسخ گویم این است: «آیا دین با مدرنیته و مدرنیزاسیون سازگار است؟ یا سنتی میان این دو را ممکن می داند؟» تعالیم اسلامی انسان را خودبسنده و بی نیاز از آسمان نمی داند و از این رو با اومانیزم، سکولاریسم، راسیونالیسم، فردگرایی، آزادی و برابری به معنای ای که در مقاله ذکر خواهد شد، موافقتی ندارد و ناسازگار است. واضح است که البته اومانیزم و سکولاریسم با دنیسم سازگار است، اما با ادیان وحیانی و از جمله اسلام نه. مدرنیزاسیون یا نوسازی عبارت است از بازسازی آگاهانه تجربه تجدد غربی. بدین ترتیب چنان چه ایدئولوژی و پروژه تجدد با دین ناسازگار باشد مدرنیزاسیون هم چنین خواهد بود. اکنون پرسش حیاتی این است که در زمانه تجدد فرایگر و تمامیت خواهانه دنیای متجدد، مسلمانان چه کنند؟ و چه می توانند بکنند؟ این پرسشی است که وظیفه متفکران مسلمان است که پاسخی برای آن بیابند. اما پیش دوم پرسش اصلی، گویا در بطن خود، پیشرفت و ترقی خطی (Linear Progression) را مفروض دارد. اساساً چنانچه پیشرفت خطی نباشد و الزاماً راه ترقی همان راه تجدد نباشد، چرا لازم است ما به این پرسش بپردازیم؟ آیا تاکنون به نحو موجبه ای پاسخ داده شده است که نمی توان راه تجدد را فریواد (synthesis) مستلزم از میان رفتن نهاده (thesis) و برانیزاده (antithesis) است. پس سنتز دین و مدرنیته، چیزی است که نه دین است و نه مدرنیته. . .

گفت وگو بامحمدعلی ابطحی

موسسه ای برای مطلع کردن

برگزارکننده سمینار مؤسسه گفت وگوی ادیان به مدیریت محمدعلی ابطحی است. ریاست او بر این مؤسسه اطلاع رسانی در حوزه ادیان سویه ای متفاوت از محمدعلی ابطحی رئیس دفتر خاتمی و ویلاگ نویس است. یا او به مناسبت برگزاری سمینار در مورد مؤسسه اش گفت وگوی کوتاهی انجام دادیم که در پی می خوانیم.

■ **آقای ابطحی، چه دلیلی باعث شد که به فکر تاسیس موسسه ای به نام گفت وگوی ادیان باشید؟**
در سال ۷۹ زمانی که اوضاع و احوال جهانی، شرایط مناسبی را برای جهان اسلام و به ویژه مسلمانان ایرانی، ترسیم نمی کرد، به همراه گروهی از دوستان و همفکران تصمیم گرفتیم که موسسه ای را به نام گفت وگوی ادیان تاسیس کنیم تا خلأ وجود چنین مرکزی را تا حدودی پر کرده باشیم. این نخستین دلیل بود و البته در روند کار با توجه به استقبال غیرمنتظره ای که توسط موسسات مشابه خارجی از این مرکز صورت گرفت، بیش از پیش به ضرورت تاسیس این موسسه پی بردیم، این نکته واقعاً تأسف برانگیز است که فقه پویا و غنی شیعه با توجه به فرهنگ عظیم ایرانی و پشتوانه غریزانگیز سیره امامان در رابطه با گفت وگو و تعامل با ادیان دیگر از سابقه اجرایی طولانی برخوردار نیست.

■ **موسسه گفت وگوی ادیان چگونه موسسه ای است؟ دولتی، غیردولتی یا نیمه دولتی.**

موسسه گفت وگوی ادیان موسسه ای غیردولتی یا به اصطلاح رایج آن NGO است، به معنای واقعی کلمه. چه آن زمان که من رئیس دفتر رئیس جمهور خاتمی بودم و چه حالا که تقریباً دغدغه اصلی ام حضور در این موسسه است، تمام تلاش من و همکارانم در این بوده است که موسسه را از وابستگی به دولت مبرا کنیم و این تلاش هم با دقت و وسواس انجام شده است. علاوه بر آن که ما و پنج موسسه دیگر ایرانی تنها NGOهای ایرانی عضو در شورای اقتصادی، اجتماعی سازمان ملل متحد هستیم و اصلی ترین شرط تداوم عضویت در این مرکز بین المللی، عدم دریافت کمک های دولتی از سوی سازمان های عضو است.

■ **پس سؤال اصلی را اینجا می توان مطرح کرد که موسسه گفت وگوی ادیان که یک NGO است و کمک های دولتی هم دریافت نمی کند با توجه به ویژگی های کشوری مانند ایران که موسسات فرهنگی آن خیلی از نظر اقتصادی دارای درآمدزایی نیستند، بودجه خود را از کجا تامین می کند؟**

چکیده مقاله سارا شریعتی جامعه شناسی مدرنیته دینی

تا سال های شصت میلادی مفاهیمی چون «خروج دین» (مارسل گوشه ۱۹۸۵)، «کسوف امر قدسی» (ساینتو اکواویرا ۱۹۶۷) و «افسون زدایی از جهان» (ویر ۱۹۹۶) . . . بیانگر جایگاه دین در دنیای مدرن بود. از پایان این سال ها اما در ادیان جامعه شناسی تحول چشمگیری به وجود آمد: «بازگشت امر دینی» (شامپون، دورنیه ۲۰۰۵)، «بیداری دین»، «افسونگری مجدد جهان» (برگر ۲۰۰۱)، «انتقام خدا» (ژیل کیل ۱۹۹۱) . . . عناوین جدید آثاری بودند که سرژوشت دین در مدرن، را موضوع کار خود قرار می دادند. کمتر از یک ربع قرن، چرخش از پارادایم «زوال دین» به «بازگشت» بازگرمز یک دینی آشکار بود و دین خصوصی شده در جوامع سکولاریزه، جوامعی که به پیشرفت خود جز با زوال تدریجی دین نمی اندیشیدند (مارسل گوشه ۱۹۸۵)، ورود جدجالی ای به عرصه عمومی داشت. ورود دین به عرصه اجتماعی در همه ادیان و در همه جوامع در اشکال جدیدی بارز بود. هویت گرایی مذهبی همچون نوعی از همبستگی اجتماعی و سیاسی، معنویت گرایی های نو همچون نوع جدیدی از هستی شناسی، اوازلیسم همچون شکلی از درمان اجتماعی و فردی، اسلام همچون یک ایدئولوژی سیاسی . . . هر کدام به نحوی در واکنش و گاه در نتیجه کاستی های جامعه مدرن (خلأ معنا، ناهنجاری، فردگرایی، تک الگویی، ماتریالیسم و . . .) ظاهر شدند و سیاست به نوبه خود با ارائه آلترناتیوهایی چون کیش حقوق بشر، محیط زیست، اکونومیس و لیبرالیسم به نوعی جانشین ادیان سکولار دیروز شد. (ریمون آرون۱۹۵۵) چندین دهه است که دین و مدرنیته این دو مفهومی که تا دیروز جدا و اغلب در برابر هم تعریف می شدند ترکیب شده و اصطلاحات جدیدی را به وجود آورده اند: «دین مدرن» (مارک فورمورتی ۱۹۹۱)، «مدرنیته دینی» (ارویوله ژه ۱۹۹۳، ژاندرون ۲۰۰۵)، «دین مدرنیته» (گیلیو ۲۰۰۵)، «تحصولات دینی مدرنیته» (ارویوله ژه ۱۹۹۲). در این میان آیدئولوژی مسلم است تحول دو مفهوم دین و مدرنیته و تغییر موقعیت این دو است. دین دیگر مفهومی بدیهی، متصلب و یکپارچه نیست و مدرنیته نیز بنا بر منطق دورنی خود مدام در تحول و تغییر است. تحول و تجدید دورنی دین و همچنین اسطوره زدایی و افسون زدایی از مدرنیته دو شاخص بارز آن تحولند. تحولی که دین را به جنش ترین منتقد دین تبدیل می کند و مدرنیته را به جدی ترین منتقد مدرنیسم. بدین ترتیب به گفته ژان پل وایلم مدرنیته دیگر به عنوان آلترناتیو در برابر دین مطرح نیست بلکه همچون چارچوب پلورالیستی طرح می شود که در آن دین می تواند در اشکال متفاوت و متکثرش بیان شود. (ژان پل

آرون۱۹۵۵) چندین دهه است که دین و مدرنیته این دو مفهومی که تا دیروز جدا و اغلب در برابر هم تعریف می شدند ترکیب شده و اصطلاحات جدیدی را به وجود آورده اند: «دین مدرن» (مارک فورمورتی ۱۹۹۱)، «مدرنیته دینی» (ارویوله ژه ۱۹۹۳، ژاندرون ۲۰۰۵)، «دین مدرنیته» (گیلیو ۲۰۰۵)، «تحصولات دینی مدرنیته» (ارویوله ژه ۱۹۹۲). در این میان آیدئولوژی مسلم است تحول دو مفهوم دین و مدرنیته و تغییر موقعیت این دو است. دین دیگر مفهومی بدیهی، متصلب و یکپارچه نیست و مدرنیته نیز بنا بر منطق دورنی خود مدام در تحول و تغییر است. تحول و تجدید دورنی دین و همچنین اسطوره زدایی و افسون زدایی از مدرنیته دو شاخص بارز آن تحولند. تحولی که دین را به جنش ترین منتقد دین تبدیل می کند و مدرنیته را به جدی ترین منتقد مدرنیسم. بدین ترتیب به گفته ژان پل وایلم مدرنیته دیگر به عنوان آلترناتیو در برابر دین مطرح نیست بلکه همچون چارچوب پلورالیستی طرح می شود که در آن دین می تواند در اشکال متفاوت و متکثرش بیان شود. (ژان پل

◻ **چکیده مقاله دکتر سعید بینای مطلق**

دین و مدرنیته

رابطه دین و مدرنیته به دو لحاظ قابل طرح و بررسی است: به لحاظ ماهیت دین و مدرنیته و به لحاظ جایگاه دین در جهان امروز. به لحاظ نخست، دین و مدرنیته به هیچ روی با یکدیگر همسر حاضرند، ضمن تأکید بر حکمت خالده و نقد مدرنیته بر این اساس، به شناسایی و شناساندن صور غیراصیل دینی نیز پرداخته اند. از جمله اساسی ترین صور غیراصیل مدرنیته انسان محور است. بنابراین نه می توان دین را مدرن کرد و نه مدرنیته را دینی و قدسی گردانید. آمیزش میان دین و مدرنیته، نه تنها آمیزشی اصیل و شریف و حتی کارآمد نیست، بلکه به قلب شدن دین می انجامد. و اما به لحاظ جایگاه دین در دنیای امروز؛ اگر دین و مدرنیته با یکدیگر ناسازگارند، پس موضع دین در جهان مدرن چه باید باشد؟ در پاسخ می توان از وظیفه دوگانه دین یاد کرد: دین در جهان کنونی، از سویی باید بیش از پیش متذکر به حقیقت قدسی خود باشد، بیش از پیش به اصل خود، که همان حکمت خالده است، اعتنا کند و از سوی دیگر از صور غیراصیل و منحط دینی، که حاصل آمیزش دین و مدرنیته

ویژه دین و مدرنیته

گفت وگو بامحمدعلی ابطحی

■ **پیش از موسسه گفت وگوی ادیان، چند موسسه و مرکز مشابه دیگر نیز که تقریباً در همین زمینه فعالیت می کنند در ایران مشغول به کار بودند، مانند مرکز گفت وگویی ادیان که وابسته به سازمان ارتباطات است و یا مرکز تحقیقات ادیان و مذاهب در قم. شما تفاوت میان موسسه گفت وگویی ادیان را با آنها در چه می دانید؟**

شاید مهم ترین تفاوت موسسه گفت وگویی ادیان با مراکز مشابه در آن است که آنها بعد تبلیغیات دینی و اسلامی های قوت بسیاری دارد و در واقع تلاش می کنند که موسسه ای تبشیری باشند، در حالی که موسسه گفت وگویی ادیان یک موسسه اطلاع رسانی است و این مطالعه اطلاع رسانی در مراکز مشابه یا وجود ندارد یا خیلی کم است. البته تفاوت مهم دیگر ما در نوع دیدگاه ما با آنها است که بر روی شکل کار تأثیر می گذارد.

■ **شما در مورد چه چیزی اطلاع رسانی می کنید؟**
در یک کلام در مورد همه اوضاع و احوال ادیان دیگر به پژوهشگران داخلی اطلاع رسانی می کنیم. موسسه ما یک مرکز پژوهشی عریض و طویل نیست بلکه بیشتر بعد رسانه ای خود را تقویت کرده است مخصوصاً در بعد مجازی آن و در این زمینه اقتدر پیشرفت کرده است که اگر همین امروز بگویند این موسسه تعطیل است ما حدود شصت درصد از فعالیت هایمان را در یک اتاق کوچک و با چند کامپیوتر می توانیم انجام دهیم. شما ببینید، سایت اینترنتی موسسه گفت وگویم ادیان لینک تمامی مراکز مهم گفت وگو در سراسر جهان را مانند یک مخزن پوشش می دهد و این نکته بسیار مهمی است. ارتباطات اینترنتی ما با شخصیت های مهم دنیا و نیز مراکز بنیادی گفت وگو در سطحی است که تقریباً به صورت اشتراکی با مراکز دیگر عمل می کنند، مثلاً تأمین نیروی فکری و جستوا و مضمون علمی کار با موسسه است و کارهای اجرایی و اقتصادی آن با شرکا. علاوه بر آن موسسه نشریه و محصولات دیگری هم دارد که به فروش می رساند که آن هم درآمدهایی برای ما دارد.

◻ **برنامه کنفرانس دین و مدرنیته**

نوبت اول	
سخنران	ساعت
قرائت کلام الله مجید	۹/۴۰-۹/۳۰
گزارش رئیس موسسه گفت وگوی ادیان	۱۰-۹/۴۰
دکتر سعید حجاریان	۱۰-۱۰/۳۰
دکتر ژند شبکی	۱۱-۱۰/۳۰
دکتر علیرضا علوی تبار	۱۱-۱۱/۳۰
دکتر محسن کدیور	۱۲-۱۱/۳۰
پرسش و پاسخ	۱۲-۱۲/۳۰
استراحت	۱۳/۳۰-۱۲/۳۰

نوبت دوم	
دکتر عبدالکریم سروش	۱۴-۱۳/۳۰
حجت الاسلام سیدعلی طالقانی	۱۴-۱۴/۳۰
دکتر سعید بینایی مطلق	۱۵-۱۴/۳۰
دکتر محمد راسخ	۱۵-۱۵/۳۰
پرسش و پاسخ	۱۶-۱۵/۳۰
تفنس	۱۶-۱۶/۳۰

نوبت سوم	
دکتر محمود صدری	۱۷-۱۶/۳۰
دکتر مراد فرهادپور	۱۷-۱۷/۳۰
دکتر علیرضا شجاعی زند	۱۸-۱۷/۳۰
دکتر سارا شریعتی	۱۸-۱۸/۳۰
پرسش و پاسخ	۱۹-۱۸/۳۰



سال سوم ■ شماره ۸۳۵ *شرق*

◻ **نیم نگاه**

چکیده مقاله محسن کدیور داد و ستد اسلام و مدرنیته

۱- در مواجهه اسلام و مدرنیته در یکصد و پنجاه سال اخیر در مجموع سه رویکرد قابل مشاهده است: ناسازگاری اسلام و مدرنیته و بطلان مدرنیته (دیدگاه مترعرا ن ستنی)، ناسازگاری اسلام و مدرنیته (دیدگاه مترنیته (دیدگاه لایک)، سازگاری اسلام و مدرنیته (دیدگاه روشنفکری دینی). ا این مقاله در مقام تبیین دیدگاه سوم است.

۲- سازگاری اسلام و مدرنیته سه گونه تفسیر محتمل دارد: انطباق اسلام بر مدرنیته، انطباق مدرنیته بر اسلام، دادوستد اسلام و مدرنیته. دو دیدگاه اول برخاسته از برداشتی خام از هر دو سو است. این مقاله در پی تشریح تفسیر سوم است. ۳- دادوستد اسلام و مدرنیته در واقع تعامل «معرفت و عمل مسلمانان» با «اندیشه و تفکر در متجددان» است. در هر دو سو معرفت و عمل معتقدان است، نه دو امر انتزاعی دین و مدرنیته.

۴- این دادوستد همانند هر دادوستد دیگری مبتنی بر یک پیش فرض مهم است: «هر دو طرف امتیازات و در عین حال نواقصی دارند.» پس قائل به کامل بودن یکی از دو طرف در این دادوستد ورودی ندارد. این پیش فرض مهم را می توان در دو گزاره ذیل بیان کرد: ۱- معرفت دینی به دستاوردهای خرد جمعی بشری نیازمند است. ۲- خرد بشری به رهاورد پیامبران الهی نیازمند است.

۵- براساس دو گزاره بنیادی پیش فرض، دو عرصه فراروی مسلمانان متجدد گشوده می شود: ۱- عرصه نقد، اصلاح و تکمیل معرفت دینی براساس دستاوردهای مدرنیته. ۲- عرصه نقد، اصلاح و تکمیل مدرنیته براساس رهاوردهای دین.

۶- مسلمانان متجدد با دو سؤال ستبر مواجهند: ۱- هر یک از معرفت دینی و مدرنیته در چه قلمروهایی تن به تغییر و تکمیل و اصلاح می دهند؟۲- با چه مبنایی این گزینش بنیادی صورت می گیرد؟

این مقاله کوششی است برای پاسخ مقدماتی به این دو سؤال دشوار.

چکیده مقاله مراد فرهادپور عقلانی شدن و تعالی خداوند

پرسش دین و مدرنیته کلی تر و انتزاعی تر از آن است که بتواند به پاسخی حقیقی و انضمامی منجر شود. پرسش حقیقی همان رابطه ادیان خاص با صور خاصی از تجربه زندگی مدرن است. از این رو، می کوشم تا با تکیه بر تجربه خودم از جمهوری اسلامی و پرسش و پاسخ های برآمده از آن، به برخی نکات در مورد رابطه اسلام و مدرنیته بپردازم. محور اصلی بحث من بررسی تعالی مطلق خداوند در اسلام، پیوند آن با عقلانی شدن جهان و افسون زدایی از آن و همچنین رابطه اسلام به مثابه شکلی از سازماندهی زندگی با خصلت آتومیک زندگی مدرن است. اشاره ای کوتاه و انتقادی به برخی از رهیافت های رایج، از قبیل تلطیف و عرفی ساختن شریعت مضمون نهایی این بحث خواهد بود.

◻ **چکیده مقاله دکتر محمود صدری**

نظربه مدرنیت و پدیده دین جمعی از دیدگاهی پارسنری

شکی نیست که تئوری های سکولاریسم و مدرنیسم نیازمند تجدیدنظرند چون آنچه در ابتدای قرن بیستم پیشنهاد و پیش بینی کرده اند در انتهای آن نادرست است. آب درآمده است. نه تنها دین در بعد حیات فردی و فرهنگی تحلیل رفته (و لذا فرض سکولاریسم ذهنی را باطل کرده) بلکه در حیات جمعی هم همه جا از لهستان تا برزیل رشد و بالندگی داشته. این فرآیند را «دین جمعی» خوانده اند. از نقطه نظر پارسنری، «دین جمعی» ممکن است دو گونه قرائت داشته باشد که یکی قهقراپی و قسری است و دیگری پیشرو و سازگار با سپهر مدرنیت و عقلانیت. متأسفانه این دو جنبه تا به حال به خوبی از یکدیگر تشخیص داده نشده اند. قرائت قهقراپی را «تفکیک زدایی» (دی-دیفرانسیاسیون) می نامیم که در جهت عکس مسیر جوامع پیچیده و بالنده سیر می کند. قرائت پیشرو را «حلدت در عین کثرت» (اینتگراسیون نام می نهیم که در جهت غنای جوامع مدرن حرکت می کند. نمونه ای از نوع اول دین جمعی حکومت طالبان در افغانستان و نمونه نوع دوم آن موضع کلیسای کاتولیک در برزیل است. بین این دو قطب طیفی هست که کشورهایی مانند ایران را می توان روی آن قرار داد. به این تفصیل، قرائتی از دین جمعی که سازگار با مدرنیت است با سکولاریسم به تعبیر عینی آن نیز همخوانی خواهد داشت.

چکیده مقاله علی رضا شجاعی زند مدرنیته و عرفی شدن

در بین تئوری های عرفی شدن، آن دسته که بر اثر عرفی کننده مدرنیته به انحای مختلف تأکید کرده اند، از اعتبار و پشتوانه به مراتب بالاتری از بقیه برخوردارند. این را هم از کثرت نظریه پردازان مدافع آن و هم از فراوانی شواهد و مستندات موبد می توان به دست آورد. واریس عناصر ذاتی و میزات متفق علیه آن نیز همین نتیجه را القا می کند. به اعتقاد ما هیچ یک از این مصادیق و تئوری های پشتیبانی کننده آن، نمی توانند تلازم میان مدرنیته و عرفی شدن را نقض کنند، با اینکه شواهد قابل اعتنایی از همراهی و همزیستی میان دین و مدرنیته را نشان می دهند. به بیان دیگر این نحو حضور و بقای دین در دنیای مدرن، حاوی هیچ دشواری یا رازگونه شدن فرآیند عرفی شدن نیست، بلکه خود نشانه ای دال بر تحقق و پیشروی آن است.